

دوفصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷

Article Number: Y۳N۶۲۴۶۶

ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

بررسی تأثیرات هورمونی و ژنتیکی در بزهکاری

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۲۲)

یونس محرمی

چکیده

جرم شناسان، درباره عواملی که از پیش در تشکیل شخصیت بزهکار تأثیر دارد، پس از مطالعات و تحقیقات گسترده نهایتاً به تأثیر دو دسته عوامل فردی یا درون زا و عوامل محیطی یا بیرون زا اعتقاد پیدا کردند. در عوامل فردی، عوامل وراثتی و روانی و هورمونی مورد مطالعه قرار میگیرد. این عوامل، با توجه به تحقیقات و بررسیهای صورت گرفته توسط جرم شناسان و دیگر دست اندرکاران علوم جنایی، به اثبات رسیده است که در ظهور پدیده مجرمانه نقش غیر قابل انکاری ایفاء خواهند کرد. یکی از مهم ترین این عوامل، عوامل زیستی یا همان زیست شناسی جنایی بوده که شامل وراثت و ژنتیک انسان می گردد و از طرفی عوامل هورمونی نیز تأثیر بسزایی داشتند که خود هورمون ها به دو گروه هورمون های جنسی و هورمون های غیر جنسی تقسیم بندی شده اند.

واژگان کلیدی: بزهکاری، ارتکاب جرم، جرم شناسی، عوامی زیستی، زیست

شناسی جنایی



مقدمه

دنیای کنونی به سمت همگرایی علوم و دانشها و بهره گیری از روشهای نوین کشف نتیجه مورد نظر حرکت میکند و این همگرایی علوم در علوم انسانی بیشتر به شکل مطالعات میان رشته ای بروز و ظهور پیدا کرده است. این تغییر حرکت و جهت میتواند علل مختلفی داشته باشد که یکی از آنها حاصل پیچیدگی های مسائل زندگی در دنیای کنونی است؛ البته نمونه های از این نوع نگاه به دانش و شیوه های آموختن و بهره گیری از آن را میتوان تا قرن نوزدهم مشاهده کرد، اما پس از آن با تخصصی شدن دانش ها و تأکید بر تخصص گرایی این نگاه برای مدتی از دنیای دانش کمرنگ شد. امروزه ملزومات دنیای مدرن اهمیت توجه به اینگونه مطالعات میان رشته ها و نگاه به دانش و کاربردهایش را بیش از پیش روشن کرده است و سلطه مطلق رویکرد رشته ای استفاده از مطالعات یک رشته و دانش خاص را که مدتی بر آسمان دانش، تسلط داشت را کنار زده است. واضح است که تبیین یک پدیده از منظر علوم انسانی صرفاً با نگاهی تک بعدی و بدون توجه به پیچیدگی ها و عوامل زیربنایی و ریشه ای دخیل در شکل گیری و تکوین آن پدیده و عدم بهره گیری از دانشهای مختلف و صرفاً ایستادن بر داده های یک دانش خاص در اغلب موارد ممکن نیست و نمیتواند چهره ی واقعی و کاملی از آن را روشن سازد. بنابراین، استفاده از علم روز بخصوص در حوزه ژنتیک و هورمون دید تازه ای را برای پژوهشگران می گشاید و باید شاهد تغییری شگرف در دنیای علوم انسانی در حوزه بزه دیده باشیم.

بخش اول: کلیات و مفاهیم اولیه

بند اول: تعریف جرم شناسی

جرم شناسی از جمله موضوعات مهم علم حقوق در حوزه علوم جنایی میباشد که دارای قدمتی طولانی است. بدین سان رشته جدیدی به وجود آمد که موضوع آن مطالعه و تبیین جرم و علل وقوع آن با استفاده از روش علمی و تجربی می باشد. جرم شناسی، در اصطلاح عبارت است از مطالعه علمی جرم و مجرم برای شناخت علل ایجاد این دو و پیشگیری و درمان اعمال مجرمانه و مباشران این اعمال می باشد. و در قانون مجازات هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن

مجازات تعیین شده است تعریف می‌گردد

بند دوم: تعریف و اقسام جرم شناسی در حقوق کیفری

تعاریف متفاوتی از علم جرم شناسی صورت گرفته است به عنوان مثال شاخه ای از علم جنایی که با روش علمی و عینی به تحلیل علل و عوامل زیستی، روانی و اجتماعی پیدایش جرم، به هدف پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح و درمان بزهکاران، می‌پردازد در جای دیگر، در تعریف جرم‌شناسی آمده است: جرم‌شناسی، شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که در آن، طبیعت، وسعت، علت و کنترل رفتار مجرمانه در فرد و جامعه، نهادهای کنترل کننده و سازمانهای اصلاح کننده مورد بحث قرار می‌گیرند. به طور کلی، مباحث جرم شناسی حول محور بزه، بزهکار و بزهکاری، می‌چرخد. از اینرو، جرم‌شناسی برای مطالعه بزهکاری از علوم مختلفی ترکیب یافته است. بدیهی است که جرم‌شناسی به عنوان یک علم ترکیبی در جهت وصول به این آرمان از نتایج مطالعات و دستاوردهای این دانشها حداکثر استفاده را مینماید.

بخش دوم: جرم شناسی زیستی یا ژنتیک در علوم کیفری

این علم جنبه ها و اثرات توارث بر شخص بزهکار را مطالعه مینماید. این رشته در عمل تحقیقات خود را به جنبه های تشریحی، فیزیولوژی، تشخیص بیماری، بیوشیمی شخص بزهکار توسعه میدهد. این علم به علت این که توسط لمبروزو و در ایتالیا رونق فراوانی یافت، همیشه در این کشور مورد توجه بوده است. امروزه در اکثر کشورهای اروپایی و بالاخص در آلمان و اتریش، مطالعات فراوانی در زمینه خصوصیات فردی، جنس، سن، بیماری، زندگی عاطفی و به طور کلی ویژگیهای جسمی و حتی اثرات محیطی بر روی بزهکار انجام گرفته است. معروفترین دانشمندانی که در این زمینه تحقیقات ارزشمندی انجام داده است، «اکسندر» آلمانی صاحب کتاب زیست شناسی کیفری است.

بند اول: تاثیرات ژنتیک در میزان بزه

تعریف ژن: ژن واحد اطلاعاتی توارثی است که بر روی کروموزومها قرار دارد. کروموزوم» نیز ساختاری است که در داخل یافتهها وجود دارد و حاوی ماده ژنتیکی آن است. ماده ژنتیکی، یک مولکول د اُکسی ریبوند کلیئک اسید (دی. ان.

ای) است. هر کروموزوم حاوی یک مولکول دی. ان. ای. همراه چندین نوع پروتئین است. ژن، کوچکترین واحد شیمیایی اطلاعات ارثی است که به تعداد بیشمار، درون میلیاردها سلول تشکیل دهنده بدن وجود دارد. چنین تخمین زده میشود که در ۲۳ جفت کروموزوم هسته سلول انسانی، بیش از صد هزار ژن اصلی و شاید بیش از این مقدار ژن غیر اصلی وجود داد. این واژه برای اولین بارتوسط «ویلهم یوهانس» در سال ۱۹۰۹ به کار رفت. ژنها دارای ویژگیهای مشترکی هستند: اول آنکه همگی آنها به صورت جفت وجود دارند؛ ژن پدری بر روی یک کروموزوم و ژن مادری بر روی کروموزوم همتای آن جای دارد. دوم آنکه در صورت فقدان عوامل آسیب زا ژنها میتوانند میلیونها سال و شاید میلیاردها سال با همان ویژگی های اولیه باقی بمانند.

بند دوم: نحوه عملکرد ژن (ژنتیک انسان)

از ویژگیهای ژنها انتقال صفات والدین به فرزندان است. علاوه بر این، ژنها همه اعمال سلول را کنترل میکنند. ژنها که در هسته سلول قرار گرفتهاند، همانند ستاد فرماندهی سلول عمل کرده و همه اعمال درونی و برونی سلول، پیرو فرمان های صادر شده از سوی آنها است که یکی از مهمترین این اعمال سلولی، عمل تولید و انتقال ساختار و صفات والدین به فرزندان میباشد. در عصر حاضر با مطالعات فراوانی که بر روی ژنها و عملکرد آنها صورت گرفته است، رشتهای به نام مهندسی ژنتیک تأسیس گردیده که به مطالعه مسائل گوناگون و تحقیق در این زمینه میپردازد. ژنتیک پزشکی با به کارگیری دانش و فناوری روز به جنبه های کلینیکی و اپیدمیولوژیک موارد ارثی می پردازد و در صدد است تا با کشف عوامل مختلف ژنهای مؤثر در بیماری و رفتار انسان، به بهینه سازی و پیشگیری یا کاهش آسیبهای ناشی از آن بپردازد.

بند سوم: رابطه رفتار مجرمانه با ژنتیک

جرمشناسی وامدار بسیاری از یافتههای جدید علم ژنتیک است. در علم جرمشناسی، ژنها از دو جهت بر رفتار مجرمانه تأثیر میگذارند: نخست، از طریق انتقال خصیصه ها و ویژگیهای زیستی که تحت عنوان «وارثت و جرم» به بحث گذاشته میشود. دوم، از طریق دگرگونی هایی که ممکن است در آنها ایجاد گردد که

ذیل « اختلالهای ژنتیکی » قابل بررسی است، از مهم-ترین موارد آن اختلالهایی چون XXY یا YYX می باشد

بند چهارم: آتاویسم در ژنتیک

آتاویسم»، در لغت به معنای نیاکان گرای، شابهت به نیاکان و برگشت به خوی نیاکان آمده است در اصطلاح به معنای «عادت نهفته در نسلهای پیشین است. مفهومی که توسط « سزار لمبرزو» وارد علم جرم شناسی گردید به گونه‌ای که وی معتقد بود مجرمان شبیه به نیاکان خود میباشند- نوعی بازگشت به اشکال نخستین تکامل است؛ بنابراین، فردی که به یک بزهکار تبدیل میشود باید نوعی به یک مرحله پیشتر از توسعه زیستی خود بازگردد که از آن اصطلاحاً با عنوان زوال برگشتی یاد میشود. البته در معنای دیگر، آتاویسم به معنای بازگشت یا رجوع مخلوقات پیش از انسان است که دارای برخی از ویژگیهای وحشی ها می باشند.

بخش سوم: جایگاه ژنتیک در جرم شناسی دینی

بزه، بزه دیده و بزهکار سازنده مثلث علمی جرم شناسی تا به امروز کانون توجه بسیاری از جرم شناسان بوده اند اما در این بین بزهکار را میتوان مهمترین ضلع مثلث جرم شناسی قلمداد کرد. تردیدی نیست که زیست شناسان جنایی طلایه داران بررسی ویژگیهای بزهکارانند، زیست شناسانی که گاه با رویکردی افراطی و با تبعیت از نظریه جبرگرایی زیستی قائل به وجود تیپ جنایی بوده و بزهکاران را انسانهایی متمایز از غیر بزهکاران دانسته و گاه با رویکردی تعادلگرا، منکر وجود کروموزوم جنایت و مفهوم جبر جنایی شده و با الهام از زیستشناسی اجتماعی، بزهکار را موجودی مختار اما دارای گرایشهای رفتاری منحرفانه قلمداد کرده اند. دین مبین اسلام نیز در راستای بهینه سازی ژنتیک و تحقق هدف آرمانی « انسان کامل»، هر چند در برگیرنده آیات و روایات متعددی است که بر نقش عوامل زیستی بر سرنوشت انسان تأکید میکنند، اما همواره جایگاه انسان را در بینابین وادی جبر و اختیار تفسیر کرده و به هیچ روی از بزهکار به عنوان موجودی که اسیر سرنوشت محتوم خویش است، یاد نکرده است. جرم-شناسی در میان انبوهی از تردیدها، بدبینی ها و دلسردها از دستاوردهای حقوق کیفری متولد شد که با تمامی نتایج گران مایه و ارزشمند خود در دستیابی به مسیری هموار برای مقابله



قاعده-مند با بزهکاری ناتوان و درمانده بود. تردیدی نیست که «سزار بکاریا» در «رساله جرائم و مجازاتها» پیکره ناهمگون حقوق کیفری را با قلم علمی خود تراشیده و بسیاری از خرافه های ریشه دار آن را از بین برد، اما به تبعیت از روش دیرینه حقوق کیفری آنچه در لابه لای اثر وی به چشم میخورد، مبارزه با معلول به جای علت و جرم به جای مجرم است. بنابراین، مکتب تحقیقی پوزیتیویستی را میتوان مکتبی سنت شکن نامید که با مکاتب حقوق کیفری تفاوت رویکردی داشته و با تغییر نگرش، مجرم را مرکز ثقل و محور مطالعات خود قرار داد. البته این بدین معنا نیست که جرمشناسی در مقام پیشگیری از وقوع رفتار مجرمانه صرفاً به یک دیدگاه خاص متوسل شده و تمامی جرمشناسان از یک دریچه مشابه رفتار مجرمانه را مورد بررسی قرار میدهند. بلکه درست برعکس، با توجه به میان رشتهای بودن علم جرمشناسی، راههای مقابله با بزهکاری و پیشگیری از وقوع رفتار مجرمانه متفاوت بوده و هر اندیشمندی از زوایای خاص به این امر پرداخته و تا به امروز نیز چنین تفاوتها و تناقض هایی باقی و پابرجاست. اما به طور خلاصه میتوان رویکردهای کلان حاکم بر جرمشناسی پوزیتیویستی را در سه شاخه ی «زیست شناسی جنایی»، «روانشناسی جنایی جنایی» و «جامعه شناسی جنایی» جستجو کرد که هر یک از آنها نیز دربرگیرنده مجموعه ای از دیدگاه های خرد می باشند.

بند اول: تاثیرات هورمون در بزه

این علم با بررسی هورمون ها و نقش آنها در انسان به دنبال پیدا کردن رابطه مستقیم و یا غیر مستقیم آن درمیزان بزه می باشد. با بررسی هورمون ها میتوان عمده علت هایی از بزه را مشاهده نمود بطوری که با نرمال بودن هورمون ها در بدن شاهد بزه مربوطه نخواهیم شد و یا خیلی کم رنگ خواهد بود. این علم با بررسی سطح هورمون ها در دو جنس مرد و زن "بالغ و نا بالغ و میزان ترشح این هورمون ها در مسیر تکامل انسان همچنین میزان تغییر آن در شرایط مختلف زندگی را با کمک علم پزشکی بررسی می کند.

بند دوم: تعریف هورمون

هورمون ها مواد شیمیایی هستند که کارگرد هدف خود را تغییر می دهند



بطوری که بعد از تشریح به داخل خون ریخته میشوند و فعالیت بافت های هدف را تنظیم میکنند.

بند سوم: تقسیم بندی هورمون ها

هورمون ها به دو گروه بر حسب مکان ترشح تقسیم میشوند

الف: هورمون های جنسی

ب: هورمون های مرکزی

- هورمون های جنسی در مردان:

۱: اندروژن ها

۲: تستسترون ها

- هورمون های جنسی در زنان:

۱ استروژن ها

۲: پروژسترون ها

۳: اندروژن ها

بند چهارم: تشریح هورمون ها

تستسترون: به هورمون مردانه مشهور است بطوری که در زمان بلوغ ترشح ان افزایش پیدا میکند ویکی از مهمترین علی که در سن ۱۵ سالگی در مردان بلوغ اتفاق می افتد افزایش تستسترون به دنبال ان تغییرات عمده ای که رخ میدهد بلوغ را تعریف رخ میدهد.

اندروژن: یکی دیگر از هورمون های مردانه بوده که حالت مردانه و روحیات مردانه را ایجاد میکند و چنانچه میزان ان در مردان کم باشد فرد روحیه زنانه به خود می گیرد.

استروژن: هورمونی زنانه که از تخمدان ها ترشح میشود.

پروژسترون: هورمونی زنانه که در زنان مهر محبت زنانه و لطافت نرمی وی را باعث میشود و چنانچه میزان ان کم باشد به دنبال کاهش ان فرد حالت خشن به خود میگیرد. نکته قابل توجه این است که در زمان های بلوغ در مردان و همچنین در دوران حامکی و مخصوصا دوران سیکل ماهانه در زنان میزان ترشح این هورمون ها تغییر پیدا میکند و به دنبال تغییر فرد از حالت عادی خارج میشود.



پس لازم است در بزه دیدگی میزان هورمون نیز سنجیده شود تا با در نظر گرفتن حالت فیزیولوژیکی فرد و تغییرات هورمونی که دست خود فرد هم نیست مجازات در خور آن در نظر گرفته بشود

بند پنجم: هورمون های مرکزی

۱: نور اپی نفرین

۲: سروتونین

۳: کلوتامات

۴: دوپامین

این چهار هورمون در زنان و مردان از غده هیپوفیزو هیپوتالاموس ترشح میشوند و با توجه به ماهیتی که دارند هر کدام تاثیرات متفاوتی را دارا می باشند. هورمون نور اپی نفرین و سروتونین دو هورمون محرک می باشند. چنانچه میزان این دو هورمون در بدن گاهش پیدا بکند موجبات پرخاشگری را در فرد ایجاد خواهند کرد و به دنبال آن افسردگی بوجود خواهد آمد هورمون های گلوتامات و دوپامین نیز مهاری بوده بطوری که افزایش آنها موجبات پرخاشگری را در فرد به وجود خواهند آورد.

بند ششم: عوامل موثر بر هورمون ها

- بیماری های تیروئیدی

۱: کم کاری تیروئید

باعث کاهش هورمون های محرک میشود و بدنبال آن افسردگی در فرد ایجاد می شود.

۲: پر کاری تیروئید

موجبات استرس و بی قراری را ایجاد می کند.

- اختلال در غدد فوق کلیه

هورمون اندرژن تعادل خود را در ترشح از دست میدهد و بدنبال آن چنانچه فرد مذکر باشد خلق و خوی زنانه پیدا میکند و چنانچه فرد مونث باشد روحیه مردانه به سراغ آن می آید.

- اختلال در ترشح الدسترون

مواردی همچون هایپوکالمی -نارسایی کلیه- فشار خون و هایپر کالمی را بدنبال خواهد داشت. وقتی در بدن هایپوکالمی پیش می آید بی هوشی موقت ایجاد میشود و انقباض عضلات به هم خورده فرد از نظر روحی روانی به هم میخورد.

نتیجه گیری

تاثیرات وراثت از نظر علم جرم شناسی و بزه دیده شناسی مورد قبول بوده و میتواند از دو طریق بر میزان بزه تاثیر بگذارد. یکی انتقال صفات از والدین و دیگری از طریق اخلاص و دگرگونی در کروموزم ها. همچنین تاثیرات هومون ها از نظر علم پزشکی پذیرفته شده است بطوری که با توجه به تغییرات آن در بدن اثرات متفاوتی نیز بدنبال دارد و در جرایمی که اتفاق می افتد از دید علم پزشکی جای بحث دارد. مثلاً در جرم لواط طبق ماده ۲۳۳ مجازات مفعول اعدام می باشد در حالی که از دید هورمون شناسی چنانچه میزان هورمون اندروژن در مفعول کم باشد ایشان خلق و خوی زنانه به خود میگیرد و این میتواند یکی از علل تمایل فرد به رابطه لواط باشد که خارج از دست فرد نیز می باشد البته این مطلب جای بحث دارد و صرفاً نظر بنده به عنوان نویسنده مقاله می باشد. قانونگذار در قانون مجازات بطور مستقیم اشاره به هورمون نداشته اما از موادی همچون ماده ۲۳ قانون مجازات در خصوص مجازات تکمیلی اشاره شده خصوصیات مرتکب لحاظ شود که معمولاً از دید ظاهری از قبل سن یا بیماری بررسی میشود اما به نظر من سیستم هورمونی هم میتواند جایگاهی هم تراز با مسائل دیگر داشته باشد. یا در ماده ۳۸ قانون مجازات از باب جهات تخفیف اشاره داشته اوضاع و احوال خاص موثر در ارتکاب جرم لحاظ شود که باز به نظر بنده میتوان تست هورمون را نیز در نظر گرفت. همچنین در ماده ۱۲۰۲ د کیفری در خصوص پرونده شخصیت میتوان گزارش پزشکی در خصوص میزان هومون ها در زمان جرم را در نظر گرفت.



منابع و مآخذ

- ابراهیمی شهرام (۱۳۹)، جرم‌شناسی پیشگیری، چاپ اول، تهران،
- تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد اول،
چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- حمید کامل؛ موسوی، سید محمود؛ داوردان، مریم و ستوده، آزاده، (۱۳۹۸،
نقش و جایگاه وراثت و ژنتیک) زیست شناسی جنایی (در ارتکاب جرم از منظر جرم
شناسی نوین و آموزه های دینی، چاپ اول، اهواز، انتشارات علوم و فنون پزشکی. -
طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۶۴ش)،
ولیدی، محمد صالح، (۱۳۸۱)، حقوق جزا: مسئولیت کیفری، چاپ سوم، تهران،
انتشارات امیرکبیر
- عالم زاده نوری محمد، ۱۳۸۸ راهنمای تربیت، مجله پگاه حوزه، شماره ۲۴۳،
مندرج در پرتال جامع علوم انسانی